



۲۰۱۶/۰۸/۱۰



ملالی موسی نظام

معضله عودت پناهندگان افغان از پاکستان



بعد از کودتای منحوس ثور و به تعقیب آن پلان اشغال سرزمین زیبای افغانستان توسط اتحاد شوروی وقت، با اوضاع نا هنجار و عدم وجود امنیت، در حالیکه از زمین و هوا بر مردم مظلوم وطن آتش و گلوله می ریخت و هزاران بیگناه با مرگ های دسته جمعی به ابدیت می پیوستند، ملیون ها باشندۀ این خاک پاک قهراً و اجباراً، اکثرأ راهی ممالک همسایه غربی و شرقی گردیدند. این جمیعت بی سرنوشت رو به تزاید، در حقیقت بزرگترین کتله پناه گزینان را در آن عصر در روی زمین تشکیل دادند. داستان و قصه دردناک هر فامیل و هر گروه و گروپ آن بینوایان، میتواند صفحات تراژدی انسانی خاصی را رقم بزند که درین مختصر نمی گنجد؛ یعنی از هر زبان که می شنوی، نا مکرر است.

تعدادی از این کتله های آوارگان افغان هم که با هزاران آرزو، بعد از شکست خفت بار اتحاد شوروی و ختم اشغال افغانستان عزیز، رو به وطن آوردند، بعد از هجوم تنظیم های تشنه قدرت و آدم کشان وطنی، با کشتار و جنگ های داخلی مخصوصاً ویرانی کابل و شهادت شست و پنج هزار باشندگان بی پناه آن، در عصر خونین «برهان الدین ربانی» طماع و بی کفایت، هنوز به ده و قریه خویش جابجا نه شده بودند که بازهم از ناچاری

راهی ممالک همسایه گردیدند و در خیمه ها و دشت های سوزان و خیمه های پر از مار و گزدم و آفتاب سوزان، آواره و بی سرنوشت پناه بردند.

از آغاز قرن جدید میلادی، یعنی بعد از شکست طالبان توسط قوای امریکا و وعده ها و خوشبینی های اعمار مجدد افغانستان با سرازیر شدن کمک های وسیع جهانی، امید میرفت که بعد از دهه های جنگ، کشتار و ویرانی بنیادی سرزمین ما، به تدریج و تحت پلان های منظم، آوارگان مظلوم افغان که بر ۶-۷ میلیون بالغ میشدند، از دو مملکت همسایه به رهنمایی مؤسسه ملل متحد، به وطن خویش برگشته و با اقامت دایمی، در باز سازی مملکت سهم می گیرند. ولی طوریکه مشاهده گردید، با حيله گری های گروپ های تنظیمی و به قدرت رسانیدن آن جفاکاران و مجرمین جنگی مسئول جنگ ها و بربادی های افغانستان، چور و چپاول سرمایه های هنگفت، مخصوصاً با همبستگی و اتکاء حامد کرزی با آنان، همان طور که کمک های سرشار خارجی حیف و میل یک اقلیت چپاولگر گردید و اعمار مجدد و انکشاف ته بنایی اقتصادی به رویاء پیوست، به همین منوال شرائط بازگشت هموطنان آواره از سرزمین های میزبانان غدار، از نا ممکنات شد.

واضح است که درین پانزده سال اخیر، مخصوصاً امیدواری آوارگان هموطن با امکانات وسیع اقتصادی و سرازیر شدن ملیارد ها به دولت بی کفایت و غیر مسئول افغانستان، نهایت زیاد گردید و توقع البته این بود که خود و فرزندان شان در خاک پاک وطن عزیز جابجا گردیده و از تحمل خفت و مظالم گوناگونی که اولیای امور آن دو همسایه دور از انصاف و مروت بر اوشان تحمیل می نمودند، راحت گردند. ولی دردا طوریکه بیان گردید، گویا طالع سیاه میلیون ها مظلوم دور از وطن با تحمل فقر، مرض، بیکاری و بی سرنوشتی در خیمه های ژولیده و در حرارت طاقت فرسا و سردی کشنده، تا ایندم به روشنی نه پیوست.

تعدادی از مهاجرینی که در ابتدای دولت کرزی به وطن مراجعت نمودند که بیشتر از اراضی پشتون نشین ولایات شرقی و جنوبی مانند قندهار، هلمند، ارزگان، زابل و قسمتی از مناطق غربی بودند، در حالیکه اراضی زراعتی و باغ های میوه شان ویران و تحت بمباردمان های قوای خارجی منهدم گردید، با بقیه اهالی آن مناطق یکجا شده و منحصراً کتله های بزرگ «**بیجا شدگان**» راهی شهر ها و بیشترین، شهر کابل گردیدند و سال هاست که در مناطق اطراف پایتخت مانند «**چهار راهی قنبر**» در ساحه وسیعی با نهایت درجه مشکلات نداشتن حد اقل وسایط معیشت، حیات سختی را سپری می نمایند.

بحث امروز ما در مورد بازگشت هزاران هموطن آواره از پاکستان است که اخیراً شرایط بود و باش شان سخت تر از همیشه گردیده است. درین جای شکی نیست که از همان آغاز اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی وقت، بیشترین کمک نظامی و پولی به پاکستان به منظور تقویه مجاهدین افغان برای جنگ و «**جهاد**» با شوروی و حمایت از آواره گان افغان بوده است که مانند همین حیف و میل سرمایه های باد آورده در داخل افغانستان، در آن مملکت هم زمامداران غدار آن از گاو غدود، مهاجرین بدبخت افغان را بین مرگ و زندگی نگه داشتند.

از جانب دیگر پاکستان و ایران هرگز از حقوق بین المللی مهاجرین حمایه ننموده، بلکه با خودسری، تبعیض و تحمیل جفای گوناگون غیر بشری، حتی زمینه یک حد اقل شرایط حیات را هم بر آنان ضیق ساختند، طوریکه در پهلوی صد ها تبعیض و مظالم گوناگون، سال چندین بار زمینه اقامت را بر آن بینوایان مشکل ساخته و حکم اخراج شان را صادر مینمایند.

از راپور های اخیر به نظر می رسد که گویا پاکستان درین اواخر مورد بی توجهی ایالات متحده قرار گرفته و مخصوصاً که بیشترین بودجه حاصل شده به انکشاف تروریزم و تخریب افغانستان و ایجاد وحشت و دهشت مصرف میگردد و امریکا با فشار پارلمان و مردم، در ارسال بودجه معموله، تخفیف زیادی را قایل شده است که در نتیجه، پاکستان به شدت فشار بر پناهندگان افغان افزوده و البته که راه خروج را اینبار جدی تر به مهاجرین نشان می دهد.

از جانب دیگر تصادفات پلان شده پاکستان چه بمباردمان ها بر مردم بینوای کنر باشد و یا چه زد و خورد ها و بهانه گیری ها در نواحی سرحدی، دست آویزی برای آن دولت فراهم نموده که پلان کندن گودال های عمیق را به امتداد سرحد و به بهانه جلو گیری از تروریزم «!؟» در دو طرف خط فرضی «دیورند» و در صورت امکان، دیوار سرحدی را بین قبایل آزاد پشتون که از همان آغاز تشکیل دولت پاکستان، با هم بستگی و مراودات عمیق دارند، اعمار نماید.

گفته میشود که ایجاد سخت گیری ها در سرحدات منجمله «تورخم» و سرحد «سپین بولدک» برای تردد قبایل آزاد و اشخاص انفرادی و فامیل هایی که در هر دو مملکت خانواده دارند، مشکلاتی را بوجود می آورد که گویا علل متذکره هم در سرازیر شدن آوارگان به وطن منجر میگردد. میرویم به سراغ قسمتی از مطبوعات اخیر در زمینه. اینهم چند سطری از خبر بی بی سی:

(وزارت مهاجرین افغانستان میگوید ده ها هزار مهاجر افغان در هفته های اخیر از پاکستان به کشورشان باز گشته اند. اسلام الدین جرئت، سخنگوی این وزارت، به بی بی سی گفت که طی تنها هفت ماه اخیر، سی هزار مهاجر از پاکستان به افغانستان برگشته اند.

او می گوید افزایش آمار «احصایه» شمار مهاجرینی که از پاکستان به این کشور برمی گردند، آنها را به تصمیم بازگشت افغانها به کشورشان امیدوار می سازد:

"این تصمیم را گرفتم که پاکستان را برای همیشه ترک کرده و به افغانستان باز گردم. تصمیم گرفته ایم که همینجا در خاک خود بمیریم. حتی اگر امنیت بدتر هم شود تصمیم داریم همینجا زندگی کنیم - هزار گل".

افزایش فشار ها بر مهاجران، مخصوصاً ساکن پاکستان عامل اصلی بازگشت افغانها خوانده شده است. اردوگاه مهاجران متعلق به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در پلچرخ، در سمت شرقی شهر کابل این روزها پذیرای هزاران مهاجری است که از پاکستان به افغانستان باز میگردند.

سه اردوگاه بزرگ دیگر در ولایت قندهار در جنوب، هرات در غرب و شهر جلال آباد در شرق کشور برای رسیدگی به امور مهاجرانی که داوطلبانه به افغانستان باز می گردند، ایجاد شده است.

هر مهاجر افغان، از کودک نوزاد گرفته تا پیرمرد هشتاد ساله از امتیازات مالی بهره مند می شوند مشروط به اینکه سند مربوط به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل را از کشوری که از آن می آید با خود داشته باشد.)

با وجود اینکه بازگشت به افغانستان آرزوی مهاجرین را تشکیل می دهد، ولی سه و نیم دهه دوری از وطن، نه تنها بر فرزندان و متولدین در پاکستان از نقطه نظر لسان، تحصیل، شرایط زیست و غیره تأثیرات محیطی داشته است، بلکه در مجموع برای همه مشکل بازگشت را مخصوصاً که زمینه یک حد اقل حیات مرفه هم معلوم نباشد، ایجاد می نماید. در حال حاضر البته تعیین ۴۰۰ دالر برای هر مهاجر عودت نموده از جانب کمیساریای عالی

پناهندگان ملل متحد، برای آغاز یک حیات نوین کافی نیست، مگر اینکه دولت افغانستان بالاخره با جدیت امور اسکان، تحصیل و شرایط صحتی را برای آن بینوایان هموطن فراهم نماید. وزارت نام نهاد «مهاجرین» که با بودجه وسیع تا بحال، اقدام اساسی و عام المنفعه ای در زمینه بازگشت پناه گزینان انجام نداده است، هم وعده های زیادی را پیش کش می نماید که متکی بر روی غرور زیستن در سرزمین خویش می باشد.

تعداد زیادی از افغانان در پاکستان برای امرار حیات البته که به کسب و کار هم مشغول بوده اند و در شقوق مختلفه سرمایه گذاری نموده اند، بسیار افغان ها دکان و مغازه و یا منزل شخصی داشته اند که حال با ترک و یا فروش آن، صدماتی را به یقین متحمل میگردند. گرچه تداوم ویزه افغان ها را دولت پاکستان تا اخیر سال جاری ۲۰۱۶ تعیین نموده است، ولی برای فروش جایداد و تنظیم امور مالی وقت بیشتری ضرورت است. موضوع محصلین افغان در پوهنتون های پاکستان هم معضله بزرگی است که باید وزارت خارجه افغانستان پاکستان را وادار به امضای تعهدی برای پذیرش آنان نماید «هیئات».

باید افزود که با آغاز روزگاران خون و آتش که ملیون ها تابعین وطن دوست افغانستان را بمباردمان ها و کشتار های زمین و هوا، تخریب شهر ها و معدوم نمودن قریه جات، قهرآ آواره و بی سرنوشت ساخت، بیشترین در مملکت های همسایه پاکستان و ایران جاگزین گردیدند. این دو کشور در دهه های متوالی در پذیرش پناه جویان افغان، هیچ کدام ارزشی به معاهدات بین المللی در مورد «حقوق پناه گزینان» و نحوه برخورد با آن بینوایان قابل نگردیده و به صورت «پخیل سر» بر روی معاهدات آتی پا گذاشتند:

پاکستان در حقیقت کنوانسیون ژنو سال ۱۹۵۱ را در مورد «حقوق پناهندگان» از یکطرف و پروتوکول ۱۹۶۷ آنرا هم بعداً، رسماً امضاء نموده است. ایران گرچه کنوانسیون ۱۹۶۷ را در سال ۱۹۷۶ به رسمت شناخته است، ولی در عمل مانند پاکستان، هیچ نوع مراعاتی بر افغانان مهاجر و برسمیت شناختن حقوق جهانی آنان از جانب آن دو کشور صورت نگرفت. دردا که بعد از آغاز جنگ ها در شرق میانه، ایران مهاجرین جوان و بینوای افغان را به بهانه های مختلفه برای جنگ به سوریه هم ارسال می نماید که مصیبت دیگریست بر مصائب موجود.

کمک های ملل متحد برای مهاجرین افغان بعد از اشغال و شکست خفت بار اتحاد شوروی هم در سال های جنگ های کابل ۱۹۹۲- ۱۹۹۶ که مهاجرت های اجباری مردم ما بیشتر شد، هم از طریق (UNHCR) یا کمیساریای عالی پناهنده گان ملل متحد ادامه یافت و بعد از آن چون با استیلای مملکت توسط طالبان و اوضاع نا هنجار، هم عودت ها به وطن صورت نگرفت، کمک در ایران و پاکستان دوام نمود.

بعد از سال ۲۰۰۲ که افغانستان مهر آزادی خورد و سیل سرمایه های خدا داده در مملکت سرازیر گردید، این کمک ها قطع گردید تا راه عودت مهاجرین به سرزمین اصلی شان باز گردد و با سهمگیری در باز سازی و مصرف کمک های جهانی، به سرنوشت جدید و حیات سالم دست یابند.

ولی بعد از هجوم و کشتار ها از ماورای سرحد پاکستان و ایجاد دهشت و وحشت در هر گوشه از مملکت در سال ۲۰۰۵ پاکستان هم سخت گیری های غیر انسانی و غیر مدنی را بالای مهاجرین افغان در منطق مسکونی آنان بیشتر نمود که یکی آن همین فشار اجباری ترک آندیار بوده است. چنین وضعی تا سال ۲۰۰۹ دوام یافت که بالاخره با اقدامات ملل متحد و کمسیون پناهندگان آن و حکومت امریکا، بعد از آن، پاکستان حاضر گردید که

مراعاتی در قسمت ورقه های اقامت شش مانه به تعدادی از پناهندگان افغان، نماید که گویا در شرایط کنونی آنهم بر باد فنا رفته و دیگر تمدید نمی شود.

در حالیکه هنوز هم در پاکستان سه ملیون و در ایران دو ملیون افغانان ما مهاجر بوده و تحت شرایط بدی حیات بسر می برند، قرار احصایه های وزارت «مهاجرین»، در هفت ماه اخیر، در حدود سی هزار افغان از پاکستان به وطن عودت نموده اند.

متأسفانه در افغانستان هم نظر به تجاربی که از نحوه حیات «عودت کنندگان» قبلی و «بی جاشدگان» از اطراف مملکت نشان میدهد، چندان شرایطی که بصورت منظم از کمک های رسیده درین زمینه و پلان های عام المنفعه برای این مظلومین بیچاره وطن که امکانات جابجا شدن در ممالک مرفه غربی هم موجود نبوده، میسر نگردیده است. دعا میکنیم که بالاخره دولت فعلیه با کمک متخصصین در زمینه اسکان و حد اقل معاونت برای تنظیم حد اقل شرایط برای عودت کنندگان افغان به سرزمین خودشان که در جهان زیاد واقع میگردد، راه حل جدی و شفافی جستجو نموده و با هیولای مافیای اقتصادی و فساد وسیع اداری، اقلاً در چنین معضله حیاتی مردم شریف افغانستان اقدامات مؤثر و جدی نماید.

پایان

